

کتاب دانیال — ایک سو چون متن موجود برای ترجمہ فقط همین عنوان «Book of Daniel - Fifty-Four» «Number One-Hundred and Fifty-Four» است، برای ترجمہ دقیق و طبیعی به زبان فارسی (ps) معمولاً این گونه می آید: ”د دانیال کتاب — یو سل او خ لور پن خ وسمه“.

درک آخرین رؤیای دانیال: اهمیت بلطشصر و آشکار شدن نبوت

Jeff Pippenger

2024-03-23

آخرین رؤیای دانیال شامل سه باب پایانی است. نخستین آن باب ها، همانند آخرین آن سه باب، تجربه دانیال را مشخص می سازد، و باب میانی تاریخ نبوی ای را بیان می کند که به ظهور و سقوط نهایی پادشاه جعلی شمال می پردازد. باب نخست همچون باب آخر است، و باب میانی نمایانگر شورش پادشاه جعلی شمال است. آخرین رؤیای دانیال، یعنی رؤیای نهر حدّاقل، حامل مهر الفا و امگا است، که همان حق است. هنگامی که پرداختن به آخرین رؤیای دانیال را آغاز می کنیم، از آیه نخست شروع خواهیم کرد.

در سال سوم کوروش، پادشاه فارس، امری بر دانیال که او را بلطشصر می نامیدند مکشوف گردید؛ و آن امر حق بود، اما مدت معین دراز بود؛ و او آن امر را دریافت و رؤیا را فهم کرد. دانیال 10:1.

در این آیه چندین حقیقت نهفته است. نخستین آن ها نام دانیال، «بلطشصر»، است.

و رئیس خواجه سرایان ایشان را نام ها نهاد: دانیال را بلطشصر نامید، حننیا را شدّرخ، میسائیل را میشخ، و عزریا را عبدنغو. دانیال ۱:۷

در باب اول، نام «بلطشصر» به دانیال داده شد، و او دیگر هرگز با نام «بلطشصر» شناخته نمی شود تا زمانی که آخرین رؤیای او معرفی می گردد. بنابراین، بلطشصر نام او در نخستین و آخرین شهادتش است. تغییر نام در نبوت، نمادی از رابطه عهدی میان خدا و قوم او را نمایان می سازد. هنگامی که خداوند با ابرام و سارای وارد عهد شد، نام های ایشان را به ابراهیم و ساره تغییر داد. او نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد، و وعده می دهد که به قوم عهدی ایام آخر خود، نامی جدید عطا کند.

به خاطر صهیون خاموش نخواهم ماند، و به خاطر اورشلیم آرام نخواهم گرفت، تا آن گاه که عدالتش چون روشنایی پدرخشد، و نجاتش مانند چراغی افروخته شعله ور گردد. و امت ها عدالت تو را خواهند دید، و همه پادشاهان جلال تو را؛ و تو به نامی تازه خوانده خواهی شد که دهان خداوند آن را تعیین خواهد کرد. اشعیا ۶۱:۱، ۲.

به فیلادلفیان، که همان صد و چهل و چهار هزار ایام آخر هستند، او نیز این وعده را می دهد.

جو غالب آئے گا، میں اسے اپنے خدا کے پیکل میں ایک ستون بناؤں گا، اور وہ پھر کبھی باہر نہ نکلے گا؛ اور میں اُس پر اپنے خدا کا نام، اور اپنے خدا کے شہر کا نام، یعنی نئے یروشلم کا نام، جو میرے خدا

کی طرف سے آسمان سے اُترتا ہے، لکھوں گا؛ اور میں اُس پر اپنا نیا نام بھی لکھوں گا۔ جس کے کان ہوں، وہ سنے کہ روح کلیسیاؤں سے کیا فرماتا ہے۔ مکاشفہ 3:12، 13.

انبیاء قوم خدا را در ایام آخر به تصویر می کشند، و برخلاف ابراهیم، ساره و اسرائیل، معنای دقیق «بلطشصر» ناشناخته است. نامی که خدا به قوم ایام آخر خود می دهد تا رابطه عهدی خویش را نمایندگی کند، تا زمانی که آن نام را به ایشان عطا فرماید، نامی ناشناخته است. نام «بلطشصر» دانیال را به عنوان قوم عهدی خدا، یعنی فیلادلفیا در ایام آخر، معرفی می کند؛ اما نام واقعی تا هنگام مهر شدن پنهان است، زیرا آن نام بر پیشانی های ایشان نوشته می شود، همان جایی که مهر نیز نوشته می شود.

اور میں نے نگاہ کی، اور دیکھو، صیون کے پہاڑ پر ایک برّہ کھڑا تھا، اور اُس کے ساتھ ایک لاکھ چوالیس ہزار تھے، جن کے ماتھوں پر اُس کے باپ کا نام لکھا ہوا تھا۔ مکاشفہ 14:1

دانیال در باب اول «بلطشصر» نامیده شده است و سپس در باب دهم نیز، و بدین سان خود را به عنوان نمادی از حرکت فرشته اول و حرکت فرشته سوم معرفی می کند؛ زیرا باب اول، چنان که پیش تر در مقالات سابق به تفصیل بیان شده است، نمایانگر پیام فرشته اول است. از این رو، باب دهم نمایانگر حرکت فرشته سوم و قوم عهد ایام آخر است. سپس این آیه بلطشصر را به عنوان نمادی از کسانی معرفی می کند که افزایش معرفتی را که در جنبش اصلاحی آغاز شده در سال 1989 از مهر گشوده شد، درک می کنند. این معنا با تأکید بر آنچه دانیال (بلطشصر) می دانست، به تصویر کشیده شده است.

دانیال به عنوان کسی شناخته می شود که «امر» را می دانست؛ همان امری که «بر دانیال مکشوف گردید»، و «این امر راست بود، اما زمان معین دراز بود؛ و او امر را فهمید و رؤیا را دریافت». دانیال «امر» را فهمید، و نیز «رؤیا» را. واژه عبری «dabar» در این آیه به «امر» ترجمه شده است، و معنای آن «کلمه» است. از نظر نبوی، «کلمه» هم نمایانگر رؤیای «هفت زمان» است، و هم نمایانگر مسیح است که همان کلمه است. هم «هفت زمان» و هم مسیح، آن صخره ای هستند که معماران رد کردند، و دانیال نماینده قومی است که هر دو عنصر نمادپردازی کلمه را درک می کنند.

در دانیال، باب نهم، آیه بیست و سه، یکی از مهم ترین آیات مرتبط با نبوت های زمانی دو هزار و سیصد سال و دو هزار و پانصد و بیست سال را می یابیم؛ نبوت هایی که به وسیله پرسش دانیال، باب هشتم، آیه سیزده، و پاسخ آیه چهارده، بازنمایی شده اند. این پرسش می پرسد: «رؤیای "chazon" که پایمال شدن مقدس و لشکر را - که نخست به وسیله بت پرستی و سپس به وسیله پاپیت به انجام رسید - مشخص می سازد، تا چه مدت خواهد بود؟» این پایمال شدن، در تحقق «هفت زمان» لاوین بیست و شش، دو هزار و پانصد و بیست سال به طول انجامید.

پاسخ پرسش آیه سیزدهم چنین بود: تا دو هزار و سیصد سال؛ سپس آن مقدسی که پایمال شده است، تطهیر خواهد شد؛ و رؤیای «مرثه» درباره دو هزار و سیصد سال، این دو نبوت زمانی را به یکدیگر پیوند می دهد، و در آیه بیست و سه از دانیال نه، جبرائیل دانیال را هدایت می کند تا رابطه این دو رؤیا را درک کند.

در آغاز تضرعات، فرمان صادر شد، و من آمده ام تا آن را بر تو آشکار سازم؛ زیرا تو بسیار محبوبی. پس این کلام را درک کن و رؤیا را دریاب. دانیال ۹:۲۳

واژه ای که در این آیه به «بفهم» و «تأمل کن» ترجمه شده، واژه عبری «biyn» است، و معنای آن «به طور ذهنی جدا ساختن» است. جبرائیل به دانیال اعلام می کند که میان «امر» و «رؤیا» تمایزی ذهنی قائل شود. «رؤیا» در این آیه واژه عبری «mareh» است، و مقصود از آن رؤیای دو هزار و

سیصد سال است که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید. واژه عبری‌ای که به «امر» ترجمه شده، همان واژه‌ای است که در آیه نخست باب دهم به «چیز» ترجمه شده است. این واژه عبری «dabar» است، و نمایانگر رؤیای دو هزار و پانصد و بیست سال است که آن نیز در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید.

در آیه نخست باب دهم، قوم عهد خدا در روزهای آخر به وسیله بَلْتَشَصَر نمایانده شده‌اند، و ایشان فزونی معرفتی را که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، پدید آمد، دریافته‌اند؛ همان فزونی‌ای که به آنان امکان داد پیوند میان آن دو رؤیا را بفهمند؛ پیوندی که میلری‌ها در جنبش فرشته اول آن را تنها به طور جزئی درک کرده بودند. در این آیه، رؤیایی که به صورت «امر» بازنمایی شده است، به عنوان طولانی‌ترین آن دو نبوت شناسانده می‌شود؛ زیرا دانیال در میان دو اشاره آیه به «امر»، تصریح می‌کند که وقت مقرر آن «امر» (dabar)، نسبت به رؤیا (mareh)، «دراز» بود.

در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال که بلطشصر نامیده می‌شد مکشوف گردید؛ و آن امر راست بود، اما زمان معین دراز می‌بود؛ و او آن امر را فهمید و از رؤیا ادراک یافت. دانیال 10:1.

به لطیف حقیقت که «سات اوقات» وه طویل ترین زمانی نبوت‌ی جس کی منادی ملیرائیون نے کی تھی، لاؤدیقیائی ایڈونٹ ازم کے ذریعے رد کی جاتی ہے، ایک ایسے اقتباس کی بنیاد پر جسے وه اپنی ہی ہلاکت کے لیے ٹیڑھا کرتے ہیں۔ 1863 کی بغاوت میں «سات اوقات» کو رد کرنے کے سبب وه ان دو نبوتوں کے باہمی تعلق کو نہیں دیکھتے، اور اگلے اقتباس کو صرف، یا صرف دیکھنا ہی چاہتے ہیں، کہ وه تیئیس سو برس کی نشان دہی کرتا ہے۔

«تجربہ شاگردانی که در نخستین ظهور مسیح «انجیل ملکوت» را موعظه کردند، نظیر خود را در تجربه کسانی داشت که پیام ظهور دوم او را اعلام نمودند. همان‌گونه که شاگردان بیرون رفتند و موعظه کردند: «وقت تمام شده و ملکوت خدا نزدیک است»، میلر و همکارانش نیز اعلام کردند که طولانی‌ترین و آخرین دورہ نبوتی که در کتاب مقدس آشکار شده است، در آستانہ پایان یافتن است؛ داوری نزدیک بود، و ملکوت جاودانی می‌بایست برقرار گردد. موعظه شاگردان درباره زمان، بر هفتاد هفته دانیال ۹ مبتنی بود. پیامی که به وسیله میلر و همکارانش داده شد، پایان ۲۳۰۰ روز دانیال ۸:۱۴ را اعلام می‌کرد که هفتاد هفته بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. موعظه هر یک، بر تحقق بخشی متفاوت از همان دورہ عظیم نبوتی استوار بود.» The Great Controversy, 351

منطق ذاتی این آخرین بخش را از نظر دور مدارید. ادونتیسزم لائودیکیه‌ای به جهان تعلیم نمی‌دهد که میلری‌ها می‌پنداشتند آن مقدسی که باید تطهیر شود، مقدس آسمانی است؛ زیرا ایشان، و هر که بخواهد به گزارش تاریخی بنگرد، می‌دانند که میلری‌ها معتقد بودند آن مقدسی که باید تطهیر شود، زمین است. عبارتی که ادونتیسزم لائودیکیه‌ای آن را برای هلاکت خویش تحریف می‌کند این است: «پس میلر و همکارانش اعلام کردند که طولانی‌ترین و آخرین دورہ نبوتی که در کتاب مقدس به نظر آورده شده بود، نزدیک به پایان یافتن است»، که اصرار دارند همان دو هزار و سیصد سال دانیال فصل هشتم، آیه چهاردهم است.

کتاب‌های تاریخ خود ادونتیسزم تصریح می‌کنند که هر سیصد واعظ میلری در ارائه‌های خود همگی از نمودار پیشگام 1843 استفاده می‌کردند، و بر روی آن نمودار، و نیز در سایر شهادت‌های تاریخی، به روشنی تمام آشکار است که «هفت زمان» (دو هزار و پانصد و بیست سال) همان نبوتی بود که آنان آن را «طولانی‌ترین و آخرین دورہ نبوی» می‌شناختند؛ دوره‌ای که «نزدیک به انقضا» بود. به سبب عصیان ایشان در سال 1863، هنگامی که سنگ بنیاد «هفت زمان» را رد کردند، اکنون کورکورانه اصرار می‌ورزند که خواهر وایت در آن بخش از The Great Controversy تاریخ تثبیت شده را از نو

می‌نویسد.

در آیه نخست دانیال باب دهم، بلطشصر نماینده قوم خدا در ایام آخر است، و آنان هم پرسش و هم پاسخ دانیال باب هشتم، آیات سیزده و چهارده را درک می‌کنند؛ همان چیزی که خواهر وایت آن را اساس و ستون مرکزی ایمان ادونتیسست معرفی می‌کند. تصویری که دانیال در این آیه ارائه می‌دهد، تمایزی را میان قوم عهدی خدا در ایام آخر و ادونتیسسم لائودیکیه‌ای مشخص می‌سازد، زیرا آنان کسانی هستند که افزایش معرفت را در سال ۱۹۸۹ درک می‌کنند.

در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال، که به بلطشصر نامیده می‌شد، مکشوف گردید؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر دراز بود؛ و او آن امر را فهمید و رؤیا را دریافت. دانیال ۱۰:۱.

آیه نخست، آغاز رؤیایی است که در کنار رود حِذِّقِل داده شد و در باب دوازدهم پایان می‌یابد. در همان‌جاست که گشوده شدن مهر کتاب دانیال را در زمان آخر می‌یابیم؛ ازاین‌رو، بازنمایی دانیال که هم «امر» و هم «رؤیا» را می‌فهمد، با کسانی مرتبط است که می‌فهمند و به‌عنوان «حکیمان» شناخته می‌شوند، در تقابل با کسانی که نمی‌فهمند و به‌عنوان «شریران» شناخته می‌گردند. در آیه دهم از باب دوازدهم، تمایز میان این دو طبقه به تصویر کشیده شده است.

بسیاری طاهر ساخته خواهند شد، و سفید گردانیده خواهند شد، و آزموده خواهند شد؛ اما شریران به شرارت رفتار خواهند کرد؛ و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ لیکن دانایان خواهند فهمید. دانیال ۱۰:۱۲.

«حکیمان» می‌فهمند، و شریران نمی‌فهمند؛ و واژه‌ای که «می‌فهمند» ترجمه شده، همان واژه‌ای است که در آیه بیست‌وسه از باب نهم شناسایی کردیم. این واژه، واژه عبری «biyn» است که به معنای جدا ساختن ذهنی است. شریران افزایش معرفت را در نمی‌یابند، زیرا حاضر نیستند آن جداسازی ذهنی دو رؤیا را انجام دهند؛ همان دو حقیقتی که در آیه یک، بلشصر به فهم آنها شناخته می‌شود، آنگاه که به‌جای دانیال، بلشصر نامیده شده است. در آیه یک، او به‌عنوان قوم عهد خدا در ایام آخر شناسانده می‌شود، و نیز به‌عنوان کسانی که آن دو رؤیا را می‌فهمند که قوم خدا باید میان آنها تمایز ذهنی قائل شوند. عیسی پایان یک چیز را با آغاز یک چیز به تصویر می‌کشد، و در باب دوازدهم، حکیمان کسانی‌اند که نبوت دوهزار و سیصد سال را، و رابطه مستقیم آن را با نبوت زمانی «طولانی‌ترین و آخرین» درمی‌یابند؛ نبوتی که همان دوهزار و پانصد و بیست سال است.

در مقاله بعدی، مطالعه خود را درباره آخرین رؤیای دانیال ادامه خواهیم داد.

قوم من از نبود معرفت هلاک شدند؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا دیگر برای من کاهن نباشی؛ و چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

شما نیز، چون سنگ‌های زنده، بنایی روحانی بنا می‌شوید و کاهنانی مقدس هستید تا قربانی‌های روحانی را به واسطه عیسی مسیح به خدا تقدیم کنید، قربانی‌هایی که نزد خدا مقبول است. ازاین‌رو در کتاب نیز آمده است: «اینک در صهیون سنگ زاویه‌ای اصلی را می‌نهم، برگزیده و گران‌بها؛ و هر که به او ایمان آورد، هرگز سرافکنده نخواهد شد.» پس برای شما که ایمان دارید، او گران‌بهاست؛ اما برای آنان که نافرمانند، «همان سنگی که معماران رد کردند، همان سر زاویه شده است»، و نیز «سنگ لغزش و صخره عثار» برای آنان که از کلام می‌لغزند، زیرا نافرمانند؛ و برای همین نیز مقرر شده بودند. اما شما نسل برگزیده، کاهنان شاهانه، امت مقدس، و قومی خاص هستید، تا فضایل او را اعلام کنید؛ او که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود فراخوانده

است۔ شما کہ در گذشتہ قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید؛ و شما کہ رحمت نیافتہ بودید، اما اکنون رحمت یافتہ اید۔ اول پطرس ۱:۱۰-۱۱۔

و بردباری خداوند ما را نجات بشمارید؛ چنان کہ برادر محبوب ما پولس نیز، بر حسب حکمتی کہ بہ او عطا شدہ است، بہ شما نوشتہ است؛ همچنان کہ در ہمہ رسالہ ہای خود نیز از این امور سخن می گوید؛ کہ در آنها بعضی مطالب ہست کہ فہمیدنشان دشوار است، و جاہلان و ناپایداران آنها را، چنان کہ سایر کتب مقدس را نیز، تحریف می کنند تا بہ ہلاکت خویش برسند۔ پس شما، ای حبیبان، چون این امور را از پیش می دانید، بر حذر باشید مبادا شما نیز، بہ گمراہی شریران کشیدہ شدہ، از استواری خود ساقط گردید۔ ۲ پطرس ۱:۱۵-۱۷

این باتوں کی انہیں یاد دہانی کراتے رہو، اور خداوند کے حضور انہیں تاکید کرو کہ وہ الفاظ پر ایسی نزاع نہ کریں جس سے کچھ فائدہ نہ ہو، بلکہ سننے والوں کی تباہی ہو۔ کوشش کر کہ اپنے آپ کو خدا کے حضور مقبول ثابت کرے، ایسا کاریگر جو شرمندہ ہونے نہ پائے، اور کلام حق کو درست طور پر بیان کرے۔ لیکن ناپاک اور باطل بکواس سے پرہیز کر، کیونکہ وہ لوگوں کو زیادہ ے دینی کی طرف بڑھا دے گی۔ Timothy 2:14-16